نسبت قصد پایه‌محور در هوش مصنوعی با عنصر حقوقی قصد در معامله

شاگرد۲: سؤال اصلی که اینجا پرسیده شد، جواب حضرت‌عالی را متوجه نشدم. یک سؤال راجع به روش ورود شما به بحث دارم؛ شما می‌فرمایید ما یک قصدی داریم و می‌خواهیم ببینیم این قصد به چه نحو است؛ از باب رفع مانع هست یا نیست. سؤال این است که در کجا این قصد را داریم؟ از کجا این قصد را می‌آوریم؟

استاد: ببینید اصل قصد را مطرح کردیم چون در رباتی که با آموزش ماشینی، خودش - بدون این‌که برنامه‌نویس دخالتی داشته باشد - کسی را می‌کشت، اینجا بحث مطرح بود که آیا از نظر حکم شرعی این رباتی که خودش با یادگیری ماشینی کسی را کشت، آیا از نظر فقهی موضوع قصاص محقق است یا فوقش موضوع دیه است؟ یا باید یک جور دیگری حرف بزنیم؟ از اینجا سراغ قصد آمدیم و آن بحث پابرجاست. فرمایش شما آن را جواب نمی‌دهد.

شاگرد۲: عرض من در همین فقه معاملاتش است. عرضم این است که در قتل عمد و خطأ دلیل داریم و اینها در لسان دلیل آمده است.

استاد: یعنی در مسیر، خود قصد دخالت می‌کند.

شاگرد۲: در اینجا از حیث روشی چرا قصد را وسط بگذاریم و بگوییم هست یا نیست؟ در معاملات باید ببینیم چه چیزی هست. آنچه که هست عقلاء به همان مقدار کفایت کرده‌اند.

استاد: شما می‌فرمایید عقلاء عقد را اعتبار کرده‌اند و عاقدیت را برای هوش مصنوعی اعتبار کرده‌اند. ملکیت را هم اعتبار کردند. می‌گویند وقتی عاقد است، عقلاء آن را اعتبار کرده‌اند.

شاگرد۲: شارع هم توسط «اوفوا بالعقود» آن را امضاء کرده است. حال قصد از کجا آمده که ما پیرامون آن بحث کنیم؟

استاد: ببینید ما در فقه می‌گوییم عاقد باید قاصد باشد.

شاگرد۲: در فقه از چه باب می‌گوییم؟ در لسان دلیل نداریم که «القصد معتبر». از همین مطالبی مثل نائب نباشد و ... استفاده کرده‌ایم و برچسبی به‌عنوان قصد زده‌ایم و نباید مستقل راجع به آن بحث کنیم.

شاگرد۶: در انشاء، قصد لازم است.

۲درگاش: خب همین چیزی که می‌گویید، از کجا می‌خواهد؟ روش بحث این است که وقتی شارع امضائی نگاه می‌کند، باید ببینیم در خارج چه اتفاقی دارد می‌افتد و عقد عرفی چیست؟

۷درگاش: متعارف ما فعلاً قصدی بوده است. اما اگر از مجموع احادیث دیدیم که متعارف نیست و غیرمتعارف است چرا باید این بحث را مطرح کنیم؟

استاد: ببینید چرا شارع می‌گوید که عاقد باید قاصد باشد؟ چرا می‌گوید صبی و سفیه نباشد؟

۲درگاش: به این عنوان که شما می‌گویید، شارع کجا گفته باید قاصد باشد؟

استاد: در فقه که هست. الآن شما معاملات صبی را امضاء می‌کنید ای نه؟

۲درگاش: به‌عنوان شارع مثلاً فرض کنید گفته نه.

استاد: عقلاء می‌گویند بله، ای نه؟

۲درگاش: می‌گویند بله.

استاد: خب پس چطور امضاء کرده در حالی که عقلاء می‌گویند بله؟

۲درگاش: امضاء نکرده است.

استاد: پس ما عاقدی داریم که شما می‌گویید عقلاء جلو می‌روند ولی شارع قبول نکرده. این عاقد امروزی که عقلاء می‌گویند درست است، از کجا می‌گویید شارع امضاء کرده است؟

۲درگاش: «اوفوا بالعقود». نسبت به صبی گفته «عمد الصبی خطأ». در اینجا دلیلی نداریم که چنین چیزی را گفته باشد.

استاد: ببینید الآن چون اقداماتی که یک هوش مصنوعی در انجام یک عقد عرفی می‌کند، در معرض غررهای کلان است، چون الگوریتم‌هایی است که هنوز جواب نداده است؛ سی سال بعد که آموزش پیدا کرد، تازه برای انشاء عقد بالغ می‌شود. شما الآن می‌گویید خب عقلاء کرده‌اند، خب عقلاء از سر ناچاری و از سر بی‌عقلی است و بخاطر اینکه چاره‌ای ندارند، این کار را کرده‌اند.

۲درگاش: این نکته چه ربطی به قصد دارد؟

استاد: من می‌گویم چرا شارع معامله صبی را امضاء نکرد؟ به‌خاطر اینکه شارع می‌گفت در تبادلات عقود نباید غرر باشد. نباید مظنه تنازع باشد. نباید مظنه ضررهای کلان باشد. الآن در بحث هوش مصنوعی، عقلاء چاره‌ای ندارند و می‌خواهند تکنیک پیش برود. الآن هوش مولد چه جواب‌های بی‌خودی‌ای می‌دهد! همان کارهای عجیب و غریب را وقتی معامله را به دستش بدهید، می‌کند. یکدفعه می‌بینید کل سرمایه شما را هدر داد. چون الگوریتم طوری بود که نمی‌دانست. اگر خود شما بودید، این کار را نمی‌کردید. من عرض می‌کنم چون انشاء قصد، کار شخص است و دیگر اعتبار عقلاء نیست و زائد بر اعتبار عقلاء است؛ عقلاء عقد را اعتبار کرده‌اند که سببیت برای انتقال داشته باشد. اما عاقد، زیادتر از صرف کلی نیاز دارد؛ باید مصالح و مفاسد دستش باشد، و لذا صبی را قبول نمی‌کنیم.

۲درگاش: عقلاء هر دو را اعتبار می‌کنند. همانطور که عقد را اعتبار کرده‌اند باید یک سببیت اعتباری هم بیاورند. الآن عقلاء براساس فهمی که از قیم و غایات داشتند، می‌گویند در هوش

مصنوعی هم ملک را گذاشتیم.

استاد: بسیاری از چیزهایی که شما می‌گویید عقلاء کرده‌اند، اگر منشأ تاریخی آن را ببینید، می‌بینید به‌خاطر یک خاستگاهی بوده است؛ یا سیاسی بوده، یا اقتصادی شرکت خاصی بوده است.

شاگرد۲: ممکن است «اوفوا بالعقود» را قبول نداشته باشید، ولی مبنا را توجه کنید... .

استاد: این چیزی که شما می‌گویید را خیلی‌ها قبول ندارند؛ این مبنا که شما می‌گویید شارع هر عقدی را امضاء کرده است.

شاگرد۲: تلقی مشهور در «اوفوا بالعقود» عقود عرفی است.

استاد: اتفاقاً یک قول حسابی هست که عقود مستحدثه را با «اوفوا بالعقود» سر نمی‌سانند.

شاگرد۲: نمی‌گویم اختلاف نیست. می‌گویم حداقل یک حرفی هست.

استاد: شما بر مبنای کسی که «اوفوا بالعقود» را ناظر به عقودی می‌گیرد که در مرئی و مسمع شارع بوده؛ "ال" در «العقود»، "ال" عهد است. نه اینکه هر چرت و پرتی بعداً به اسم عقلاء درآمد. خب روی مبنای او بحث‌های ما جا دارد یا نه؟

شاگرد۳: باز بحث روشی می‌ماند. در اینجا باز شما باید بگویید غرر هست یا نیست. اینکه قصد از باب رفع مانع است یا به نحو اثباتی است، متفاوت است. در فرمایش شما باید مثل مرحوم سید بگوییم آن عقدی مراد است که جامع شرائط شرعی است. خب حالا باید ببینیم جامع شرائط شرعی، چه چیزهایی است. این قصد به‌عنوان یک دلیل لفظی اخذ نشده تا آن را تحلیل کنیم.

استاد: در فقه، نص و فتوا داریم؛ آنجا می‌گویند کدام عقد است که «العقود» است؟ آن عقد، عقدی است که کسی که انشاء آن عقد کرده و سبب را آورده، شرائطی را که شارع می‌گوید را قبول داشته باشد.

شاگرد۱: وقتی روابط نفس الامری که عقلاء اعتبار کرده‌اند را تشخیص بدهیم، می‌بینیم قصد هست. یعنی در همان مفهوم اعتباری عقد، قصد گنجانده شده است.

استاد: ایشان می‌فرمایند نیست؛ البته دنباله فرمایش ایشان بود؛ شما که می‌گویید عقلاء این را عقد می‌دانند، عقلاء همین جور روی هوا می‌گویند؟

شاگرد۲: با پشتوانه‌هایش می‌گویند.

استاد: خب پس ما باید به اینها برسیم. در مبادی کار، اگر آنها سست جلو رفته باشند، یک عمومات داریم که رادع «اوفوا بالعقود» است، مثل غرر. الآن اینجا از کجا می‌گویید که در معامله هوش مصنوعی غرر منتفی است؟ می‌گوییم همان شارعی که «اوفوا بالعقود» گفته، گفته من عقد غرری را قبول ندارم. چون او همه چیزهایی که یک انسان عاقل بالغ رشید اطلاع دارد و بر اساس آن ایجاد سبب می‌کند را نمی‌داند، شما از کجا می‌گویید شارع امضاء کرده است؟

شاگرد۲: من از حیث روشی عرض کردم اینکه از قصد بحث کنیم، الآن شاید فنی نباشد. چون چیزی به‌عنوان قصد نداریم. باید مبانی آن را نگاه کنیم؛ یعنی این ادله امضائی را چطور نگاه کنیم یا امور عقلائی را نگاه کنیم، نه اینکه یک عنوان را وسط بگذاریم و از آن بحث کنیم.

استاد: یعنی ولی عقلاء، قصد را در عقد دخالت می‌دهند، حتی در هوش مصنوعی.

شاگرد۲: عقلاء اصلاً قصد را مقوم می‌دانند.

استاد: خب ما نباید بحث کنیم که این قصدی که شما می‌گویید تخیل است یا نه؟ کما اینکه در هوش قوی خیلی از مهندس‌های نرم‌افزار تخیل می‌کنند. نزاع سرل با آن‌ها چه بود؟ توریِنگ می‌گفت ما با هوش مصنوعی همه چیز را داریم و فقط آن روحی که از ملکوت می‌آید را نداریم. همه چیز را داریم و قصد را هم داریم. عقلاء می‌گویند در عقد، قصد هم داریم، اما اینجا هم هست. یعنی خطای در تطبیق می‌کنند. آن‌ها مدعی هستند که چرا ما به اینجا عقد می‌گوییم؟ چون قصد هست. مثل کسانی که فلسفه ذهن را قبول ندارند، می‌گویند خطا کرده‌اید؛ نه، آنچه که انسان دارد، در اینجا نیست. اتفاقاً بحث من برای همین است که با فرض فلسفه ذهن ببینیم قصدی که پایه‌محور است، ولی عقلاء قصد را دخالت بدهند، کدام قصد است؟ قصدی است که شما در فلسفه ذهن می‌گویید؟ یا قصدی است که شما در فضای مصالح و مفاسد و ارزش و قیم می‌گویید؟ این مقصود من بود. ما قصد را به یک معنا، پایه‌محورش را شناسایی کنیم و ببینیم در این بستر، کارهایی که هوش مصنوعی انجام می‌دهد، آن قصدی که به‌عنوان یک عنصر حقوقی برای عاقد شرط هست را دارد یا ندارد. شما می‌خواهید صورت مسأله را پاک کنید و بگویید عقلاء می‌گویند عقد است و شارع هم امضاء کرده است. من حرفی ندارم. ولی من به دنبال این هستم که قصدی که عاقد به‌عنوان عنصر حقوقی نیاز دارد، تحلیل کنیم و ببینیم در قصد پایه‌محور هست یا نیست.

والحمد لله رب العالمین

بازبینی #2
ایجاد شده 14 سپتامبر 2025 16:59:57 توسط ... .
به روزرسانی شده 2 اکتبر 2025 13:53:38 توسط ... .